

آیین رسیدگی دادسراها و هیأت‌های انتظامی سازمان پزشکی جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

آیین رسیدگی مجموعه اصول و مقرراتی است که برای کشف و تحقیق تخلفات انتظامی و تعقیب متخلفین در دادسرا و نحوه رسیدگی و صدور رأی در هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر و هیأت عالی انتظامی و تعیین وظایف و اختیارات مقامات انتظامی و چگونگی اجرای آرای صادره از هیأت‌ها وضع شده است.

باب اول : دادسرای انتظامی

فصل اول / وظایف و تشکیلات

ماده ۱- دادسرای انتظامی عهده‌دار تحقیق و کشف تخلفات و تعقیب متخلفین و اقامه شکایت انتظامی در هیأت‌های بدوی انتظامی در حدود قوانین و مقررات پزشکی اعم از تصویب‌نامه‌ها، آئین‌نامه‌ها، مصوبات شورای عالی، دستورالعمل‌ها و نظامات معین می‌باشد.

ماده ۲- دادسرا به ریاست دادستان انتظامی و به تعداد لازم دادیار تشکیل می‌شود. دادستان می‌تواند دارای یک معاون اول باشد که در غیاب او وظایف انتظامی واداری را انجام دهد. دبیرخانه دادسرا تحت نظارت دادستان انجام وظیفه می‌کند. رئیس دفتر دادسرا از بین کارمندان با سابقه سازمان انتخاب می‌شود. دبیرخانه به تناسب پرونده‌ها و در صورت اقتضا می‌تواند دارای منشی و بایگانی باشد.

تبصره - در صورت لزوم، دادستان می‌تواند از سازمان نظام پزشکی محل تقاضای مشاور حقوقی نماید.

ماده ۳ - وظیفه دبیرخانه دادسرا دریافت شکایات و ثبت آنها در دفتر مخصوص ثبت شکایت و نگهداری سوابق و مدارک است. دبیرخانه باید شکایت را بلافاصله پس از وصول ثبت نموده و رسیدی مشتمل بر نام شاکی و دیگر مشخصات او، موضوع شکایت، تاریخ تسلیم و شماره ثبت به شاکی بدهد.

تبصره - ثبت و بررسی شکایت موکول به پرداخت هزینه به میزانی است که شورای عالی تعیین می‌نماید.

ماده ۴ - دادستان و دادیاران با ملاحظه شرایط قانونی از بین صاحبان حرفه‌های پزشکی که دارای اعتبار علمی و حسن شهرت در جامعه پزشکی و آشنا به امور انتظامی هستند انتخاب می‌شوند و نباید دارای سابقه محکومیت انتظامی یا کیفری باشند.

ماده ۵ - دادسرای انتظامی در معیت هیأت‌های بدوی انتظامی تشکیل می‌شود. قلمرو ماموریت دادسرا، حوزه صلاحیت هیأت بدوی است که توسط شورای عالی تعیین می‌گردد.

ماده ۶- تعقیب امور انتظامی منحصرأ با دادسرای انتظامی است. جهات قانونی برای شروع تعقیب همان است که در ماده ۳۰ قانون سازمان نظام پزشکی (که از این پس به اختصار قانون نامیده می‌شود) ذکر شده است.

تبصره ۱- شاکی و مراجع ذیصلاح جهت اعلام تخلف حداکثر ظرف مدت یکسال از تاریخ وقوع تخلف یا بروز عوارض می‌توانند به دادسرا اعلام شکایت کنند. آغاز مرور زمان تخلف انتظامی شاغلان حرفه‌های پزشکی، تاریخ وقوع تخلف بوده و درمورد تخلفات مستمر، تاریخی است که استمرار قطع شده است.

تبصره ۲- در صورتیکه رسیدگی به پرونده منوط به تعیین تکلیف در دادگستری باشد، مرور زمان متوقف شده و مدتی که تعقیب متخلف به علل مذکور معلق می‌ماند، جزو مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود. همچنین جریان مرور زمان با هراقدام تعقیبی قطع شده و مدت قبلی مرور زمان‌هایی که قطع شده، محاسبه نمی‌شود.

ماده ۷- دادستان در اموری که به دادیار ارجاع می‌شود حق نظارت و دادن تعلیمات را دارد و می‌تواند در تحقیقاتی که توسط دادیار بعمل می‌آید حضور به هم رساند.

ماده ۸- دادیار در جریان تحقیقات، تقاضای دادستان را اجرا و در صورت مجلس قید می‌کند. چنانچه با اشکالی مواجه شود که انجام آن مقدور نباشد، مراتب را به دادستان اعلام کرده و منتظر رفع مانع و تعیین تکلیف می‌شود. در صورتیکه دادیار ضمن تحقیقات خود به تخلفات دیگری برخورد نماید، موضوع و چگونگی را به دادستان اعلام نموده و در صورت ارجاع او آن را مورد رسیدگی قرار می‌دهد.

ماده ۹- دادیار جز در مورد تخلفات مشهود، بدون ارجاع دادستان یا معاون او حق رسیدگی ندارد.

ماده ۱۰- کلیه مراکز و مقامات بهداشتی و درمانی اعم از دولتی و غیر دولتی باید فوراً درخواست دادسرا را به موقع به اجرا در آورده و اطلاعات و مدارک و اسناد مورد مطالبه را در مهلتی که تعیین می‌شود در اختیار دادسرا قرار دهند و چنانچه عذر موجهی داشته باشند در همان مهلت اعلام نمایند.

تبصره - خودداری، ممانعت و یا تأخیر در انجام دستورات دادسرا مستوجب تعقیب و مجازات انتظامی و یا ارجاع به مراجع ذیصلاح می‌باشد.

ماده ۱۱- دادسرا می‌تواند هر گونه تحقیق واطلاعاتی را که برای کشف و تعقیب تخلف لازم می‌داند به عمل آورده و اشخاصی که اطلاعات آنان را موثر میدانند احضار یا کتباً از آنان استعلام نماید .

ماده ۱۲- چنانچه رسیدگی به تخلفاتی که واجد جهات فنی و تخصصی است مقتضی دخالت کارشناس باشد دادسرا می‌تواند نظر کارشناسی متخصصان معتمد را استعلام و در صورت اختلاف نظر آنان توضیحات لازم را اخذ نماید.

ماده ۱۳- دادسرا شکایت شاکی یا اعلام کننده تخلف را با دلایل آن استماع می‌نماید. چنانچه پس از خاتمه تحقیقات دلایل برای تعقیب مشتکی عنه کفایت داشته باشد می‌تواند او را با تصریح نوع تخلف در احضاریه دعوت نماید. دادسرا مکلف است نوع تخلف و دلایل شکایت را به وی تفهیم نماید. در صورتیکه شاکی یا مشتکی عنه به دلایلی اعم از نظر کارشناسی یا مطالبه و ملاحظه اسناد و سوابق پزشکی و دیگر مدارک استناد نمایند و رسیدگی به آن دلایل موثر در احراز واقع باشد، دادسرا آن را انجام می‌دهد. چنانچه رسیدگی به دلایل مزبور مستلزم هزینه ای باشد، پرداخت هزینه به عهده استناد کننده است .

تبصره ۱- در صورتیکه مشتکی عنه برای تدارک دفاع یا تهیه مدارک، استمهال نماید، دادسرا می‌تواند حداکثر دوهفته مهلت به او اعطا کند.

تبصره ۲- بعد از سه بار اخطار به شاکی جهت حضور و هربار به مدت ۱۵ روز عدم حضور وی به منزله انصراف از شکایت شاکی تلقی می‌شود. عدم حضور مشتکی عنه مانع از رسیدگی پرونده انتظامی و اتخاذ تصمیم نخواهد بود .

ماده ۱۴- شاکی انتظامی باید هزینه های لازم را طبق تعرفه ای که شورای عالی نظام پزشکی تعیین می‌کند ، پرداخت نماید، مگر اینکه به تشخیص دادستان یا رئیس هیأت مدیره نظام پزشکی محل، فاقد استطاعت باشد.

ماده ۱۵- شاکی انتظامی کسی است که شخصاً ذینفع بوده و قانوناً حق مطالبه دیه و ضرر و زیان را در محاکم دادگستری دارد . چنانچه اقدام شاکی به شکایت انتظامی به نمایندگی از ذینفع باشد باید سمت شاکی از حیث ولایت، قیمومیت و وکالت مسلم بوده و مدارک مربوط احراز و اخذ گردد. (اصلاحی مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۲۷)

ماده ۱۶- تعقیب انتظامی موقوف به شکایت شاکی نیست و گذشت شاکی یا اولیا و نمایندگان قانونی او موجب موقوف ماندن تعقیب نخواهد بود، مگر اینکه صرفنظر از گذشت، دلایل برای تعقیب کافی نباشد که در اینصورت دادسرا قرار منع تعقیب صادر خواهد کرد.

ماده ۱۷- شکایت باید با امضا و تاریخ و شامل نام و مشخصات و نشانی کامل شاکی و مشتکی عنه و تاریخ و محل وقوع تخلف باشد. به شکایات بدون امضا یا دارای امضای مستعار ترتیب اثر داده نمی شود.

ماده ۱۸- تخلف انتظامی مشهود عبارت است از تخلفی که در مرئی و منظر اعضای دادسرا یا هیأت های انتظامی واقع شود یا اعضای مذکور بلافاصله در محل وقوع حضور یافته، آثار و دلایل تخلف را پس از وقوع آن مشاهده نمایند یا دلایل و وسایل تخلف در تصرف فرد یافت شود یا تعلق اسباب و دلایل به وی محرز باشد.

ماده ۱۹- در مورد تخلفات مشهود، اعضای دادسرا با تنظیم صورت مجلس و ذکر چگونگی وقوع تخلف، اقدامات قانونی را معمول خواهند داشت.

تبصره - در مورد تخلفات مشهود، اعضای هیأت های انتظامی با تصریح به مشهود بودن تخلف، مراتب را جهت تعقیب انتظامی به دادسرا اعلام می نمایند .

ماده ۲۰- چنانچه تعطیل موقت آن بخش از مؤسسه و مرکز بهداشتی و درمانی و مطب و دفاتر حرف وابسته پزشکی که مربوط به موضوع و محل ارتکاب تخلف است برای انجام تحقیقات یا جلوگیری از ادامه تخلف انتظامی یا مصالح تندرستی جامعه ضروری باشد، دادستان انتظامی می تواند پلمپ موارد فوق را حسب مورد از دادسرای عمومی و انقلاب محل و یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی درخواست نماید. (اصلاحی مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۲۷)

تبصره یک- در صورتیکه دلیلی بر وقوع جرمی باشد یا اقدام دیگری لازم باشد که مستلزم تعقیب کیفری یا دخالت دادسرای عمومی و انقلاب باشد، مراتب فوراً به آن دادسرا اعلام می گردد.

تبصره دو- پس از پلمپ موقت، دادستان موظف است کیفرخواست را در اسرع وقت تنظیم و به هیأت بدوی ارسال نماید و هیأت بدوی خارج از نوبت و در اولین جلسه موضوع را مطرح و در صورتیکه رای هیأت بدوی بندهای الف تا ج تبصره یک ماده ۲۸ قانون باشد درخواست فک پلمپ توسط دادستان انتظامی از مقام مربوطه صورت خواهد گرفت و در صورت مجازات محرومیت از سوی هیأت بدوی تاریخ شروع محرومیت از زمان پلمپ مرکز محاسبه خواهد شد. (الحاقی مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۲)

ماده ۲۱- چنانچه مشتکی عنه در شعب مختلف دادرسی تحت تعقیب باشد، به دستور دادستان به کلیه تخلفات او توأمأ در شعبه واحد دادرسی رسیدگی می شود .

ماده ۲۲- تحقیقات در دادسرا غیر علنی است.

تبصره ۱: شاکی یا مشتکی عنه و یا نماینده قانونی آن ها می توانند در مراحل رسیدگی پرونده در دادسرا و هیات ها به مستندات و محتویات پرونده دسترسی داشته باشند. (الحاقی مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۲۷)

تبصره ۲: شاکی و مشتکی عنه و کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات دادسرا مداخله دارند، باید از انتشار اطلاعات، مدارک و اسناد موجود در پرونده امتناع نمایند مگر نزد مراجع صالحه. (الحاقی مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۲۷)

فصل دوم / در احضار شاکی و مشتکی عنه و ترتیب ابلاغ

ماده ۲۳- احضار شاکی و مشتکی عنه با احضاریه به عمل می آید. احضاریه در دو نسخه تنظیم و ارسال می شود که یک نسخه از آن به شاکی یا مشتکی عنه تسلیم و نسخه دیگر پس از امضا، اعاده می گردد. در احضاریه مشخصات مخاطب جهت احضار و تاریخ و محل حضور قید می شود.

تبصره- فاصله بین ابلاغ احضاریه تا تاریخ حضور نباید کمتر از سه روز باشد. در مواردیکه جنبه فوریت داشته باشد، می توان مشتکی عنه را زودتر احضار کرد. در صورت امتناع مخاطب از گرفتن اوراق، مراتب در برگ احضاریه قید می شود.

ماده ۲۴- هرگونه ابلاغ اوراق در محل کار یا مطب یا در محل اقامت بعمل می آید و می تواند بطریق مقتضی دیگر از جمله پست الکترونیک یا دورنگار و در موارد فوری بوسیله تلفن انجام گیرد. در صورت اخیر باید از اطلاع مخاطب اطمینان حاصل شود.

ماده ۲۵- صاحبان حرفه های پزشکی و وابسته در صورت تغییر نشانی مکلفند نشانی جدید خود را کتباً اعلام نمایند. در غیر اینصورت اوراق به آدرسی که در سوابق سازمان نظام پزشکی موجود است ارسال گردیده و ابلاغ شده محسوب می شود و ادعای عدم اطلاع پذیرفته نیست.

ماده ۲۶- دادرسا نباید کسی را بدون دلیل احضار کند.

فصل سوم / اقدامات دادرسا پس از خاتمه تحقیقات

ماده ۲۷- چنانچه پس از انجام تحقیقات لازم، دلایل ارتکاب کفایت داشته باشد، دادیار نظر خود را به دادستان یا معاون او کتباً اعلام نموده و در صورت موافقت با تنظیم کیفرخواست، از هیأت بدوی انتظامی تقاضای مجازات متخلف را می نماید. مشخصات کیفرخواست همان است که در قانون آمده است.

ماده ۲۸- دبیرخانه دادرسا پرونده را به انضمام کیفرخواست به دفتر هیأت بدوی ارسال می نماید.

ماده ۲۹- چنانچه متخلف دارای سوابق انتظامی دیگری باشد، به منظور رعایت تعدد و تکرار باید در کیفرخواست به آن تصریح شود.

ماده ۳۰- در صورتیکه فعل یا ترک فعل انتسابی در فرض وقوع و صحت، تخلف نباشد یا تخلف ادعایی متوجه مشتکی عنه نباشد یا دلایل برای تعقیب کافی نباشد، دادرسا قرار منع تعقیب صادر می کند.

تبصره: در مواردی که موضوع شکایت در اجرای تبصره ۳ یا ۵ ماده ۳۵ قانون قبلاً در سازمان نظام پزشکی کارشناسی شده و آخرین نظریه کارشناسی مبنی بر قصور و یا تقصیر مشتکی عنه می باشد و پس از آن شکایت انتظامی در دادرسای انتظامی مطرح گردیده است، مفاد این نظریه برای دادرسا لازم الاتباع می باشد، مگر اینکه دلایل و مستندات جدیدی ارائه گردد. در این صورت دادرسا با در نظر گرفتن مدارک جدید اظهار نظر خواهد کرد. (الحاقی مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۲۷)

ماده ۳۱- در صورتیکه متخلف فوت نموده یا دچار جنون گردد یا تخلف انتسابی مشمول مرور زمان باشد یا قبلاً همان تخلف مورد رسیدگی واقع و مختومه شده باشد، قرار موقوفی تعقیب صادر می شود.

تبصره - کلیه قرارهای صادره توسط دادیار باید با موافقت دادستان یا معاون اول وی باشد.

ماده ۳۲- چنانچه دادستان با قرارهای منع یا موقوفی تعقیب موافقت نماید، قرار صادره باید با تذکر حق اعتراض به شاکی یا مرجع اعلام تخلف ابلاغ گردد. مهلت اعتراض بیست روز از تاریخ ابلاغ است و مرجع رسیدگی به آن هیأت بدوی انتظامی است.

ماده ۳۳- در صورتیکه رسیدگی به تخلف منوط به اثبات امری باشد که اتخاذ تصمیم درخصوص آن در صلاحیت مرجع دیگری بوده و تفکیک تخلف ممکن نباشد، رسیدگی تا تعیین تکلیف از مرجع صلاحیتدار متوقف و مراتب به شاکی ابلاغ می گردد.

ماده ۳۴- در صورتیکه چندین نفر در پرونده تحت تعقیب بوده و پرونده نسبت به تخلفات بعضی از آنان مہیای صدور کیفرخواست باشد، دادستان می تواند نسبت به آنها تعیین تکلیف نماید، مگر اینکه صدور کیفرخواست جداگانه با توجه به نحوه روابط و دخالت افراد، ممکن نباشد .

ماده ۳۵- در صورتیکه یک نفر به ارتکاب تخلفات متعددی در پرونده تحت تعقیب باشد و به نظر دادستان تحقیقات پرونده نسبت به بعضی از آن تخلفات کامل بوده و تفکیک آن بخش ممکن باشد، نسبت به همان قسمت کیفرخواست صادر شده و پرونده در مورد سایر قسمتها مفتوح مانده و رسیدگی ادامه خواهد یافت.

ماده ۳۶- چنانچه تخلف در حوزه نظام پزشکی دیگری واقع شده باشد، پرونده با صدور قرار عدم صلاحیت به آن مرجع ارسال می شود.

ماده ۳۷- در صورتیکه شکایت شاکی یا اعلام کننده واجد عنوان جزایی باشد، مراتب با صدور قرار عدم صلاحیت به مراجع قضایی اعلام می گردد .

تبصره- رسیدگی و اقدامات مراجع قضایی در هر حال مانع رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای متخلفان در دادرها و هیأت های انتظامی نمی باشد.

ماده ۳۸- چنانچه انجام تحقیقات درمورد تخلف اعلام شده یا انجام امر کارشناسی در حوزه نظام پزشکی دیگری لازم باشد ، با اعطای نیابت ، انجام آن مطالبه می شود . موارد نیابت و چگونگی اقدام باید تصریح شود . دادرها و هیأت های انتظامی در حدود نیابت، اقدام و پرونده را اعاده می نمایند.

ماده ۳۹- اعضای دادرها و هیأت های انتظامی در موارد زیر در رسیدگی و صدور رای شرکت نمی کنند:

الف- عضو هیأت (عضو دادر) یا همسر ایشان با شاکی یا مشتکی عنه ، قرابت نسبی یا سببی تادرجه دوم از طبقه سوم داشته باشند . (قرابت یا نسبی است و یا سببی. قرابت نسبی به ترتیب طبقات ذیل است: طبقه اول- پدر، مادر، اولاد و اولاد اولاد. طبقه دوم- برادر و خواهر و اولاد آنها به علاوه اجداد و اجداد اجداد. طبقه سوم- عمو، عمه، دایی، خاله و اولاد آنها. در هر طبقه درجات قرب و بعد قرابت نسبی به عده نسل ها در آن طبقه معین می گردد. مثلا در طبقه اول قرابت پدر و مادر با اولاد در درجه اول و نسبت به اولاد اولاد در درجه دوم از طبقه اول خواهد بود و یا در طبقه سوم قرابت عمو و دایی در درجه اول از طبقه سوم و قرابت اولاد آنها در درجه دوم از همان طبقه است. شایان ذکر است که هرکس در هر خط و درجه که با یک نفر قرابت نسبی داشته باشد، در همان خط و به همان درجه قرابت سببی با زوج یا زوجه او خواهد داشت.)

ب- عضو هیأت (عضو دادر) یا همسر ایشان با شاکی یا مشتکی عنه دعوای حقوقی یا جزایی داشته باشند.

ج- عضو هیأت (عضو دادر) یا همسر ایشان در دعوای طرح شده ذینفع باشند.

د- عضو هیأت یا عضو دادر قبلا در پرونده اظهار نظر انتظامی نموده باشند.

تبصره ۱- کارشناسان انتظامی برای هر پرونده فقط در یک مرحله می توانند اظهار نظر تخصصی نمایند.

تبصره ۲- اعضای دادر و هیأت های انتظامی بدوی و تجدیدنظر و عالی نمی توانند هم زمان در هیأت دیگری عضویت داشته باشند. (الحاقی مورخ ۱۳۹۵/۷/۸)

ماده ۴۰- تصمیمات دادر از طریق دبیرخانه ابلاغ می شود.

باب دوم: هیأت بدوی انتظامی

فصل اول / حوزه صلاحیت

ماده ۴۱- قلمرو صلاحیت هیأت بدوی حوزه ای است که توسط شورای عالی تعیین می‌شود و محل آن مقر نظام پزشکی آن شهرستان است.

ماده ۴۲- رسیدگی به تخلف در هیأت بدوی که تخلف در حوزه آن واقع شده، به عمل می‌آید.

تبصره- شورای عالی میتواند در صورت درخواست رئیس هیأت مدیره نظام پزشکی شهرستان مربوط و یا رئیس کل سازمان، رسیدگی به تخلف واقع شده را به هیأت بدوی شهرستان دیگری محول نماید. این موضوع طبق مصوبه شورای عالی سازمان نظام پزشکی مورخ ۱۳۹۶/۰۸/۲۵ به رئیس کل سازمان تفویض اختیار گردید.

ماده ۴۳- چنانچه شخصی مرتکب چندین تخلف در حوزه های مختلف شود، هیأتی به تخلفات او رسیدگی می نماید که مهمترین تخلف با توجه به میزان مجازات در حوزه آن واقع شده است. چنانچه تخلفات ارتكابی از حیث مجازات انتظامی از یک درجه باشند، هیأتی که ابتدا شروع به رسیدگی کرده است صلاحیت دارد.

ماده ۴۴- در مورد تعدد تخلف هرگاه تخلفات ارتكابی مختلف باشند، باید برای هریک از تخلفات، مجازات انتظامی جداگانه در نظر گرفته شود، که در این صورت مجازات اشد اجرا شده و مبنای سوء پیشینه انتظامی قرار می گیرد. اگر تخلفات ارتكابی مختلف نباشند، تعدد تخلف از علل تشدید مجازات بوده و فقط یک مجازات انتظامی در نظر گرفته می شود. (اصلاحی مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۲۷)

ماده ۴۵- هرکس به موجب رای قطعی هیأت های انتظامی نظام پزشکی محکومیت حاصل نماید، چنانچه بعد از اجرای حکم، مرتکب تخلف انتظامی گردد، هیأت های انتظامی می توانند مجازات وی را تشدید نمایند.

تبصره- هرگاه در حین صدور رای، محکومیت های سابق متخلف معلوم نبوده و بعداً محرز گردد، مراتب به هیأت صادر کننده حکم قطعی اعلام می گردد تا مطابق مقررات این ماده اقدام گردد.

ماده ۴۶- چنانچه بین دو هیأت انتظامی واقع در حوزه یک استان در مورد صلاحیت محلی اختلاف شود، رفع اختلاف با هیأت تجدیدنظر انتظامی استان است و اگر بین دو هیأت انتظامی در استان های مختلف در مورد صلاحیت محلی اختلاف شود، رفع اختلاف با هیأت عالی انتظامی است.

فصل دوم / سازمان و تشکیلات هیأت بدوی انتظامی

ماده ۴۷- ترکیب اعضای هیأت بدوی و طرز انتخاب آنان به ترتیبی است که در قانون آمده است. هیأت بدوی دارای دفتری است که تصدی آن با رئیس دفتر بوده و تحت نظارت رئیس هیأت انجام وظیفه می کند.

ماده ۴۸- چنانچه هیأت بدوی دارای شعب متعدد باشد، رئیس شعبه اول مسئولیت امور اداری و ارجاع پرونده ها را عهده دار می باشد.

ماده ۴۹- اعضای هر هیأت در اولین جلسه با رای مخفی و به اکثریت آرا از بین خود یک نفر را به عنوان رئیس و یک نفر را به عنوان دبیر هیأت برای مدت دو سال انتخاب می نمایند. تجدید انتخاب ایشان برای دوره بعد بلا اشکال است. تعیین تعداد جلسات هیأت و زمان تشکیل آنها با توجه به تناسب پرونده ها و تراکم امور توسط اعضا تعیین می شود.

تبصره ۱- مسئولیت اداره جلسات هیأت با رئیس و در غیاب وی با دبیر هیأت است و چنانچه هیچ یک از ایشان در جلسه حضور نداشته باشند، اعضای حاضر از بین خود و با اکثریت آرا یک نفر را برای اداره همان جلسه معین می نمایند.

تبصره ۲- احکام رئیس و دبیر هیأت بدوی انتظامی توسط رئیس کل سازمان صادر می گردد.

ماده ۵۰- اعضای هیأت بدوی مکلفند به طور منظم در جلسات هیأت شرکت نمایند. در صورتیکه بدون عذر موجه یا بدون موافقت قبلی رئیس هیأت، ظرف مدت یکسال در ۳ جلسه متوالی یا ۵ جلسه متناوب غیبت داشته باشند، با اعلام رئیس هیأت بدوی به رئیس هیأت مدیره نظام پزشکی شهرستان مربوط، نسبت به جایگزینی ایشان اقدام خواهد گردید.

فصل سوم / نحوه رسیدگی هیأت بدوی انتظامی

ماده ۵۱- با وصول پرونده به هیأت بدوی، دفتر هیأت آن را به نوبت ثبت نموده و با دستور رئیس هیأت، مشتکی عنه را احضار نموده و کیفرخواست دادسرا و ضمائم آن را به رؤیت وی رسانده و اخطار می نماید چنانچه پاسخی داشته باشد کتباً و ظرف مدت ده روز به دفتر هیأت تسلیم نماید .

تبصره- رئیس هیأت می تواند در موارد ضرورت، پرونده را خارج از نوبت در هیأت مطرح نماید.

ماده ۵۲- پس از وصول پاسخ یا عدم وصول آن و انقضای مهلت معین، پرونده به نظر رئیس همان هیأت می رسد.

ماده ۵۳- پرونده ها به نوبت توسط رئیس هیأت به یکی از اعضا ارجاع می شود. عضو هیأت مکلف است ظرف مدت یک هفته خلاصه ای از جریان شکایت انتظامی و دلایل طرفین و چگونگی آنرا ضمن اظهار عقیده خود کتباً اعلام نماید تا در جلسه هیأت مطرح شود . هیأت با توجه به تحقیقات انجام شده و گزارش کتبی عضو محقق به شرح آتی اتخاذ تصمیم می نماید :

الف- چنانچه اخذ توضیحی لازم باشد با تعیین وقت از طرفین دعوت به عمل می آید . موارد سؤال باید در صورت مجلس هیأت و در اخطاریه ها قید شده و زمان و محل جلسه نیز تصریح شود. در جلسه معین، هیأت در حدود موارد سؤال رسیدگی می نماید. عدم حضور طرفین مانع از رسیدگی و صدور رای نمی باشد .

ب- در مواردی که از طرفین دعوت به عمل می آید، ابتدا از شاکی و شهود و کارشناس در صورتی که احضار شده باشند و سپس از مشتکی عنه و شهود و کارشناسی که معرفی کرده باشد تحقیق به عمل می آید.

ج- چنانچه تحقیقات کامل نباشد یا اخذ توضیح از کارشناس لازم باشد، هیأت می تواند راساً نسبت به تکمیل تحقیقات اقدام نموده یا با ذکر موارد توضیح، از کارشناس یا کارشناسان کتباً استعلام نماید یا پرونده را با تصریح موارد نقص و چگونگی انجام تحقیقات به دادسرا اعاده دهد .

د- در صورتیکه تحقیقات کامل و پرونده مهیای صدور رای باشد، هیأت با اعلام ختم رسیدگی رای مقتضی صادر می نماید.

ه- چنانچه هیأت معتقد باشد دلایل ابرازی برای احراز تخلف کفایت نداشته یا تخلف انتسابی به مشتکی عنه توجه ندارد یا فعل و ترک فعل انتسابی به فرض صحت، تخلف نیست ، بدون لزوم تعیین وقت ، حکم به برائت می دهد.

و- در صورتیکه فعل یا ترک فعل انتسابی منطبق با عنوان دیگری جز آنچه که در کیفرخواست به آن استناد شده باشد، هیأت به تشخیص خود و با تطبیق تخلف با عنوان مورد نظر اقدام به صدور رای می نماید .

ز- در مواردی که هیأت بدوی به دنبال اعتراض شاکی، قرار منع یا موقوفی تعقیب دادسرا را فسخ می کند، راساً به ماهیت موضوع رسیدگی نموده و رای مقتضی صادر می نماید.

ح- چنانچه معاینه یا تحقیق محلی ضروری باشد، به دستور رئیس هیأت، یکی از اعضای هیأت آنرا اجرا می کند .

ماده ۵۴- در صورتیکه تخلف در حوزه هیأت بدوی دیگری واقع شده یا هیأت فاقد صلاحیت ذاتی باشد، با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به مرجع مربوط ارسال می نماید .

ماده ۵۵- هیأت بدوی در حدود کیفرخواست رسیدگی نموده و خارج از آن حق رسیدگی ندارد. چنانچه در جریان بررسی به تخلفات دیگری برخورد نماید، مکلف است آنرا به دادسرا اعلام کند.

ماده ۵۶- در صورتیکه چندین نفر در پرونده تحت تعقیب بوده و پرونده نسبت به تخلفات بعضی از آنان مہیای صدور رای باشد، هیأت می تواند با صدور رای نسبت به آن بخش تعیین تکلیف نماید، مگر اینکه صدور رای جداگانه با توجه به نحوه روابط و دخالت آنان ممکن نباشد.

ماده ۵۷- در صورتیکه یک نفر به ارتکاب تخلفات متعددی در پرونده تحت تعقیب باشد و به نظر هیأت بدوی تحقیقات پرونده نسبت به بعضی از آن تخلفات کامل بوده و تفکیک آن بخش ممکن باشد، هیأت همان قسمت را مورد رسیدگی و صدور رای قرار می دهد و پرونده در مورد سایر قسمتها مفتوح مانده و رسیدگی ادامه خواهد یافت.

ماده ۵۸- چنانچه تخلفات یکی از صاحبان حرفه های پزشکی و وابسته در شعب متعدد هیأت بدوی مطرح باشد، به منظور رعایت تعدد و رسیدگی توأم و به دستور رئیس شعبه اول، پرونده ها به شعبه ای ارجاع می شود که تاریخ ارجاع آن مقدم است.

ماده ۵۹- رای هیأت بدوی به اکثریت آرا صادر و ابلاغ می شود. نظراقلیت نیز در صورت مجلس ثبت می گردد.

ماده ۶۰- هیأت بدوی می تواند از دادستان یا جانشین قانونی او برای دفاع از کیفرخواست دعوت به عمل آورد. عدم حضور ایشان مانع از رسیدگی نیست.

تبصره- دادستان می تواند در موارد ضروری برای دفاع از کیفرخواست با هماهنگی رئیس هیأت بدوی در جلسه هیأت شرکت نماید.

ماده ۶۱- هیأت باید در ذیل رای خود قابلیت و مهلت اعتراض و مرجع آنرا تصریح نماید. این امر مانع از این نخواهد بود که اگر هیأت بدوی رای غیر قطعی را قطعی اعلام کند هر یک از طرفین درخواست تجدیدنظر نمایند.

ماده ۶۲- آراء و نظرات کارشناسی هیأت بدوی باید مستدل و موجه بوده و مستند به قانون یا مقررات مربوط اعم از آئین نامه، تصویب نامه و مصوبات و دستورالعمل ها و نظامات معین باشد. چنانچه تخلف انتسابی، تخطی و نقض یکی از اصول علمی و موازین فنی بوده و در مقررات پزشکی فاقد عنوان صریح باشد، هیأت مکلف است مستند علمی و مأخذ و مرجع آنرا در رای خود ذکر نماید. (اصلاحی مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۲۷)

ماده ۶۳- هیأت های بدوی انتظامی در مواردی که مطابق تبصره (۳) ماده ۳۵ قانون از طرف مراجع قضایی برای اعلام نظر کارشناسی و تخصصی مورد استعلام قرار می گیرند، می توانند راساً نسبت به موضوع اظهار نظر نمایند. چنانچه اظهار نظر مستلزم جلب نظر کارشناس و دخالت اشخاص خبره باشد، میتوانند نظر آنان یا کمیسیون های تخصصی مشورتی را استعلام و سپس با اظهار نظر خود به مراجع قضائی اعلام نمایند.

تبصره: چنانچه هیأت بدوی انتظامی عقیده بر تقصیر یا قصور مشتکی عنه داشته باشد، مکلف است حسب مورد میزان تاثیر آن را در صدمات وارده به بیمار و یا فوت وی مشخص و از تعیین ارش و دیه خودداری نماید. ارش و دیه توسط پزشکی قانونی تعیین می گردد (اصلاحی مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۲۷)

ماده ۶۴- هیأت بدوی مکلف است در مهلتی که از طرف مراجع قضایی تعیین می گردد نسبت به موضوع اظهار نظر نموده و چنانچه این امر در مهلت معین مقدور نباشد، از مرجع مزبور استمهال نماید.

باب سوم: هیأت تجدیدنظر انتظامی

فصل اول / آرای قابل تجدیدنظر

ماده ۶۵- آرای قابل تجدیدنظر هیأت‌های بدوی انتظامی عبارتند از :

الف - احکام برائت یا محکومیت .

ب - قرارهای منع یا موقوفی تعقیب دادسرا که مورد تأیید هیأت بدوی انتظامی قرار گرفته است .

ماده ۶۶- مرجع تجدیدنظرخواهی از آرای هیأت‌های بدوی هر حوزه انتظامی، هیأت تجدیدنظر مرکز همان استان است .

فصل دوم / اشخاص ذینفع جهت درخواست تجدید نظر

ماده ۶۷- اشخاص ذیل، حق درخواست تجدید نظر را دارند:

الف - محکوم علیه یا نماینده قانونی او.

ب - شاکی یا مراجع مندرج در ماده ۳۰ قانون .

ج - دادستان انتظامی در مواردی که دادسرای انتظامی مطابق با بندهای «ب، ج، د، ه» ماده ۳۰ قانون تشکیل سازمان شروع به رسیدگی نموده است. (الحاقی مورخ ۱۳۹۵/۷/۸)

فصل سوم / درخواست تجدید نظر و مقدمات رسیدگی

ماده ۶۸- متقاضی تجدیدنظر باید درخواست خود را ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ رای به دفتر هیأت بدوی صادر کننده رای تسلیم نماید.

مرجع یاد شده باید بلافاصله پس از وصول درخواست آنرا ثبت نموده و رسیدی مشتمل بر تاریخ و نام متقاضی و طرف شکایت تسلیم نماید و روی کلیه برگه های درخواست تجدیدنظر، همان تاریخ را قید کند. این تاریخ، تاریخ تجدیدنظرخواهی محسوب می‌شود.

تبصره - پس از تسلیم درخواست تجدیدنظر، مدیر دفتر هیأت بدوی پس از تکمیل، اصل پرونده را ظرف مدت یک هفته به مرجع تجدیدنظر ارسال می نماید .

ماده ۶۹- درخواست تجدیدنظر باید مشتمل بر نکات زیر باشد:

الف - نام و نام خانوادگی و محل سکونت و سایر مشخصات تجدیدنظرخواه و نماینده قانونی او(در صورتی که درخواست تجدیدنظر را نماینده داده باشد) .

ب - نام و نام خانوادگی و محل سکونت و سایر مشخصات تجدیدنظرخوانده.

ج - رای صادره که از آن تجدیدنظرخواهی شده، هیأت بدوی صادر کننده رای و تاریخ ابلاغ .

د - دلایل تجدیدنظرخواهی .

ماده ۷۰- درخواست تجدیدنظر و ضمائم آن باید در دو نسخه تنظیم و هزینه آن به میزانی که توسط شورای عالی تعیین شده، پرداخت گردد. چنانچه به تشخیص رئیس هیأت تجدیدنظر و یا رئیس هیأت مدیره نظام پزشکی محل، متقاضی فاقد بضاعت باشد از پرداخت هزینه معاف است.

ماده ۷۱- مدیر دفتر هیأت تجدیدنظر ظرف مدت یک هفته از تاریخ وصول پرونده، درخواست تجدیدنظر و ضمائم آن را برای تجدیدنظرخوانده ارسال و یا آنرا به رؤیت وی رسانده و اخطار می نماید چنانچه پاسخی دارد ظرف مدت ده روز تسلیم نماید.

ماده ۷۲- چنانچه درخواست تجدیدنظر خارج از مهلت تقدیم شده باشد، هیأت تجدیدنظر قرار رد درخواست تجدیدنظرخواهی صادر می نماید .

ماده ۷۳- چنانچه متقاضی تجدیدنظر درخواست خود را مسترد دارد، هیأت تجدیدنظر قرار رد آن را صادر نموده و رای هیأت بدوی به قوت خود باقی خواهد ماند.

فصل چهارم / سازمان و ترکیب هیأت تجدیدنظرانتظامی

ماده ۷۴- ترکیب هیأت تجدیدنظر و طرز انتخاب اعضای آن به ترتیبی است که در قانون آمده است . هیأت تجدیدنظر دارای دفتری است که تصدی آن با رئیس دفتر بوده و تحت نظارت رئیس هیأت انجام وظیفه می کند .

ماده ۷۵- در صورتیکه هیأت تجدیدنظر دارای شعب متعدد باشد، رئیس شعبه اول امور اداری و ارجاع پرونده ها را عهده دار است .

ماده ۷۶- اعضای هیأت تجدیدنظر در اولین جلسه با رای مخفی و به اکثریت آرا از بین خود یک نفر را به عنوان رئیس و یک نفر را به عنوان دبیر هیأت برای مدت دو سال انتخاب می نمایند. تجدید انتخاب ایشان برای دوره بعد بلا اشکال است. تعیین تعداد جلسات هیأت و زمان تشکیل آنها با توجه به تعداد و تناسب پرونده ها با مشاوره اعضا توسط رئیس هیأت تعیین می شود .

تبصره ۱- اداره جلسات هیأت با رئیس و در غیاب او با دبیر هیأت خواهد بود و در صورتیکه هیچ یک از ایشان در جلسه هیأت حضور نداشته باشند، اعضای حاضر از میان خود و با اکثریت آرا یک نفر را برای اداره همان جلسه انتخاب می نمایند.

تبصره ۲- احکام رئیس و دبیر هیأت تجدیدنظر انتظامی توسط رئیس کل سازمان صادر می گردد.

ماده ۷۷- اعضای هیأت تجدیدنظر مکلفند به طور منظم در جلسات هیأت شرکت نمایند. در صورتیکه بدون عذر موجه یا بدون موافقت قبلی رئیس هیأت، ظرف مدت یکسال در ۳ جلسه متوالی یا ۵ جلسه متناوب غیبت داشته باشند، با اعلام رئیس هیأت تجدیدنظر به رئیس شورای هماهنگی نظام پزشکی های استان مربوط، نسبت به جایگزینی ایشان اقدام خواهد گردید.

فصل پنجم / نحوه رسیدگی هیأت تجدیدنظرانتظامی

ماده ۷۸- پس از وصول پرونده به هیأت تجدیدنظر، هیأت به نوبت رسیدگی می نماید. مگر اینکه به تشخیص رئیس هیأت رسیدگی خارج از نوبت لازم باشد .

ماده ۷۹- پرونده ها به نوبت توسط رئیس هیأت به یکی از اعضا ارجاع می شود. عضو هیأت مکلف است ظرف یک هفته خلاصه ای از جریان پرونده و دلایل طرفین و جهات تجدیدنظرخواهی را ضمن اظهار عقیده خود کتباً اعلام نماید تا در اولین جلسه پس از آن مطرح شود. هیأت با توجه به تحقیقات به عمل آمده و گزارش کتبی عضو محقق و مشاوره، به شرح آتی اتخاذ تصمیم می نماید:

الف- چنانچه با توجه به مدافعات طرفین و دلایل آن ، حضور طرفین برای اخذ توضیح لازم باشد با تعیین وقت از آنان دعوت به عمل می آورد. موارد سؤال در صورت مجلس هیأت و در احضاریه ها قید می شود. عدم حضور مانع رسیدگی نمی باشد.

تبصره- احضار طرفین و سایر ترتیبات مربوط به آن مطابق مقررات هیأت بدوی انتظامی است .

ب- اگر رای تجدیدنظرخواسته در حدود قانون و مقررات مربوط صادر شده باشد، ضمن تأیید، آن را به هیأت بدوی صادر کننده رای اعاده می دهد .

ج- چنانچه رای از هیأت بدوی فاقد صلاحیت صادر شده باشد، هیأت تجدیدنظر آنرا نقض و پرونده را به مرجع صالح ارجاع می نماید .

د- اگر عملی که محکوم علیه به علت ارتکاب آن محکوم شده به فرض ثبوت تخلف نباشد یا به لحاظ سایر جهات قانونی قابل تعقیب نبوده یا متوجه محکوم علیه نباشد و هیأت تجدیدنظر براءت محکوم علیه را احراز کند، رای بدوی را نقض و براءت او را صادر می کند .

ذ- چنانچه رای تجدیدنظر خواسته از حیث رعایت مقررات یا اصول و موازین علمی و فنی مخدوش یا غیر موجه باشد، هیأت رای را نقض و رای مقتضی صادر می نماید. (الحاقی مورخ ۱۳۹۵/۷/۸)

ه- چنانچه به نظر هیأت، تحقیقات کامل نباشد یا اخذ توضیح از کارشناس لازم باشد، هیأت می تواند رأساً تحقیقات مورد نظر را انجام یا از کارشناس استعلام نموده یا اینکه انجام آنرا از دادسرا و یا هیأت بدوی انتظامی بخواهد.

و- اگر رای هیأت بدوی به صورت قرار باشد و به هر علت نقض شود ، پرونده جهت رسیدگی به هیأت مذکور ارسال می شود. هیأت بدوی مکلف است به ماهیت موضوع رسیدگی و رای صادر نماید.

ز- چنانچه سمت تجدیدنظرخواه محرز نباشد، هیأت قرار رد درخواست تجدیدنظرخواهی صادر می نماید.

ح- هیأت تجدیدنظر می تواند ازدادستان یا جانشین قانونی او برای دفاع از کیفرخواست دعوت به عمل آورد. عدم حضورایشان مانع از رسیدگی نیست.

تبصره- دادستان می تواند در موارد ضروری برای دفاع از کیفرخواست با هماهنگی رئیس هیأت تجدیدنظر در جلسه هیأت شرکت نماید.

ماده ۸۰- هیأت تجدیدنظر به آنچه که موضوع رسیدگی هیأت بدوی قرار گرفته و نسبت به آن تجدیدنظر خواهی شده رسیدگی مینماید و خارج از آن حق رسیدگی ندارد.

تبصره- نسبت به مواردیکه هیأت بدوی رسیدگی ننموده، هیأت تجدیدنظر با ذکر موارد، پرونده را جهت رسیدگی و صدور رای به هیأت بدوی اعاده می نماید.

ماده ۸۱- چنانچه رای هیأت بدوی در اساس قضیه و چگونگی احراز تخلف، صحیح صادرشده باشد ولی از حیث تطبیق آن با ماده استنادی مواجه با اشکال باشد، هیأت تجدیدنظر ضمن اصلاح آن، رای صادره را تأیید می نماید.

ماده ۸۲- هیأت تجدیدنظر حق تشدید مجازات انتظامی را ندارد مگر اینکه شاکی از رای صادره تجدیدنظرخواهی کرده باشد .

ماده ۸۳- چنانچه در رای هیأت بدوی از نظر احتساب مدت محکومیت یا تعیین مشخصات طرفین و یا تنظیم و نوشتن رای، سهو قلم رخ داده باشد (مانند از قلم افتادن کلمه ای یا زیاد شدن آن) هیأت تجدیدنظر آنرا تصحیح می نماید .

ماده ۸۴- چنانچه یکی از صاحبان حرفه های پزشکی یا وابسته در شعب متعدد هیأت تجدیدنظر مرکزیک استان و در پرونده های متعدد تحت تعقیب باشد، رئیس شعبه اول پس از اطلاع، به منظور رسیدگی توأم و رعایت مقررات تعدد، پرونده ها را به شعبه ای که تاریخ ارجاع آن مقدم است ارجاع می دهد.

ماده ۸۵- در صورتیکه یک نفر به ارتکاب تخلفات متعددی در پرونده تعقیب و محکوم شده باشد و به نظر هیأت تجدیدنظر، تحقیقات پرونده نسبت به بعضی از آن تخلفات کامل بوده و تفکیک آن بخش نیز ممکن باشد، هیأت همان قسمت را مورد رسیدگی و صدور رای قرار می دهد و پرونده در مورد سایر قسمتها مفتوح مانده و رسیدگی ادامه خواهد یافت.

ماده ۸۶- چنانچه اشخاص متعددی موضوع رسیدگی در هیأت تجدیدنظر باشند و به نظر هیأت، رسیدگی نسبت به شخص یا اشخاصی از آنان مهیای صدور رای باشد، نسبت به آنان تعیین تکلیف خواهد شد.

ماده ۸۷- آرای صادره از هیأت تجدیدنظر جز در مورد احکام محرومیت از اشتغال، قطعی است.

ماده ۸۸- رای هیأت تجدیدنظر به اکثریت آرا صادر و ابلاغ می شود. نظر اقلیت نیز در صورت مجلس هیأت ثبت می گردد.

ماده ۸۹- هیأت در مورد آرای قابل تجدیدنظر مکلف است قابلیت اعتراض، مهلت و مرجع تجدیدنظر را در ذیل رای تصریح کند.

ماده ۹۰- هیأت تجدیدنظر انتظامی در مواردی که مطابق تبصره (۵) ماده (۳۵) قانون مکلف به رسیدگی به اعتراض نسبت به نظریه کارشناسی و تخصصی است، چنانچه نظریه کارشناسی هیأت بدوی مطابق مدارک و اوضاع و احوال مسلم و معلوم قضیه باشد، آنرا تأیید و به مرجع مربوط اعلام می نماید و در صورتیکه اظهار نظر نسبت به آن مستلزم جلب نظر کارشناسان دیگر باشد، می تواند نظر آنان را استعلام نموده و سپس با اظهار نظر صریح خود به مراجع قضائی اعلام نماید. **تبصره-** هیأت تجدیدنظر مکلف است در مهلتی که از طرف مراجع قضائی تعیین می شود، نسبت به موضوع اظهار نظر نموده و چنانچه این امر در مهلت معین مقدور نباشد، از مرجع مزبور استمهال نماید.

باب چهارم: هیأت عالی انتظامی

فصل اول / سازمان و تشکیلات

ماده ۹۱- مقر هیأت عالی در تهران است و ترکیب و طرز انتخاب اعضای آن همان است که در قانون پیش بینی شده است.

ماده ۹۲- چنانچه هیأت عالی دارای شعب متعدد باشد، رئیس شعبه اول، عهده دار مسئولیت اموراتاری از جمله ارجاع پرونده ها است.

ماده ۹۳- هر هیأت دارای یک رئیس و یک دبیر می باشد که در اولین جلسه و با رای مخفی اکثریت اعضا، برای مدت ۲ سال انتخاب می شوند. تجدید انتخاب آنها برای دوره بعد بلا اشکال است. تعداد جلسات هیأت و زمان تشکیل آنها با توجه به تناسب پرونده ها و تراکم امور با مشاوره اعضا توسط رئیس هیأت تعیین می شود.

تبصره ۱- اداره جلسات با رئیس و در غیاب وی با دبیر هیأت بوده و چنانچه هیچیک از ایشان در جلسه حضور نداشته باشند، اعضای حاضر از میان خود و با اکثریت آرا یک نفر را برای اداره همان جلسه انتخاب می نمایند.

تبصره ۲- احکام رئیس و دبیر هیأت عالی انتظامی توسط رئیس کل سازمان صادر می گردد.

تبصره ۳- اعضا هیأت عالی مکلفند به طور منظم در جلسات هیأت شرکت نمایند. در صورتیکه بدون عذر موجه یا بدون موافقت قبلی رئیس هیأت ظرف مدت یک سال در ۳ جلسه متوالی یا ۵ جلسه متناوب غیبت داشته باشند، با اعلام رئیس هیأت عالی به رئیس کل سازمان، نسبت به جایگزینی ایشان اقدام خواهد گردید. (الحاقی مورخ ۱۳۹۴/۹/۵)

ماده ۹۴- هیأت عالی دارای دفتری است که تصدی آن با رئیس دفتر بوده و تحت نظارت رئیس هیأت انجام وظیفه می کند.

فصل دوم / صلاحیت و حدود وظایف هیأت عالی انتظامی

ماده ۹۵- صلاحیت و حدود وظایف هیأت عالی به شرح ذیل است:

الف- تجدید نظر نسبت به آرای موضوع بندهای (د)، (ه)، (و) و (ز) تبصره یک ماده ۲۸ قانون.

تبصره: منظور از آرای قابل تجدید نظر اعم است از آرای محکومیت یا برائت صاحبان حرفه های پزشکی و وابسته در مورد محرومیت از اشتغال.

ب- رسیدگی مجدد نسبت به آرای قطعی بدوی یا تجدید نظر که خلاف قانون صادر شده است، به درخواست رئیس کل سازمان.

تبصره: منظور از آرای قطعی آرای است که یا در مهلت مقرر از آن تجدید نظر خواهی نشده یا آرای که از هیأت تجدید نظر انتظامی صادر شده باشد.

ج- رسیدگی به اعتراضات و شکایات اشخاص از طرز کاردادسراها و هیأت‌های بدوی و تجدید نظر انتظامی.

د- نظارت عالی بردادسراها و هیأت‌های بدوی و تجدید نظر انتظامی.

ه- ایجاد هماهنگی و وحدت رویه در امور هیأت‌های انتظامی.

و- رسیدگی به اعتراض طرفین یا نمایندگان قانونی آنان نسبت به نظریه کارشناسی هیأت بدوی انتظامی موضوع تبصره (۵) ماده (۳۵) قانون.

فصل سوم / درخواست تجدید نظر از هیأت عالی انتظامی و مقدمات و نحوه رسیدگی هیأت

ماده ۹۶- اشخاص ذیل حق درخواست تجدید نظر از هیأت عالی را دارند:

الف- محکوم علیه یا نماینده قانونی او.

ب- شاکی یا نماینده قانونی او.

ج- دادستان انتظامی در مواردی که دادسرای انتظامی مطابق با بندهای «ب، ج، د، ه» ماده ۳۰ قانون تشکیل سازمان شروع به رسیدگی نموده است. (الحاقی مورخ ۱۳۹۵/۷/۸)

ماده ۹۷- مهلت تجدید نظر خواهی بیست روز از تاریخ ابلاغ رای تجدید نظر خواسته است. چنانچه اعتراض خارج از مهلت به عمل آمده باشد، هیأت قرار رد درخواست تجدید نظر خواهی صادر می نماید.

ماده ۹۸- هزینه تجدید نظر خواهی در هیأت عالی مطابق مصوبه شورای عالی است. چنانچه متقاضی به تشخیص رئیس هیأت یا رئیس کل سازمان، فاقد استطاعت باشد، از پرداخت آن معاف خواهد بود.

ماده ۹۹- چنانچه محکوم علیه از تعقیب دعوی تجدید نظر خواهی در هیأت عالی منصرف شود و درخواست خود را مسترد نماید، هیأت قرار رد درخواست تجدید نظر خواهی صادر نموده و رای تجدید نظر خواسته به قوت خود باقی خواهد ماند. **تبصره-** چنانچه پس از استرداد درخواست تجدید نظر، هیأت عالی رای صادره را مخالف قوانین و مقررات و یا موازین علمی و فنی تشخیص دهد، می تواند راساً به موضوع رسیدگی نموده و رای مقتضی صادر نماید.

ماده ۱۰۰- رسیدگی در هیأت به نوبت به عمل می آید، مگر اینکه به تشخیص رئیس هیأت، رسیدگی خارج از نوبت ضرورت داشته باشد.

ماده ۱۰۱- رئیس هیأت، پرونده‌های ارجاعی را شخصاً بررسی و گزارش آنرا تنظیم نموده یا به نوبت به یکی از اعضا ارجاع می نماید. عضو هیأت مکلف است ظرف یک هفته خلاصه ای از جریان پرونده و دلایل طرفین و جهات تجدید نظر خواهی را ضمن اظهار عقیده خود کتبا اعلام نماید تا در جلسه بعدی هیأت مطرح شود. هیأت با توجه به گزارش عضومحقق و تحقیقات بعمل آمده، مشاوره نموده و به شرح آتی اتخاذ تصمیم می نماید:

الف- در صورتی که به نظر هیأت اخذ توضیحی از طرفین لازم باشد، با تعیین وقت رسیدگی از طرفین دعوت به عمل می آید. موارد اخذ توضیح در صورت مجلس هیأت و در احضاریه های طرفین قید می شود. عدم حضور مانع از رسیدگی نیست.

ب- در مواردی که از طرفین دعوت به عمل می آید، ابتدا از تجدید نظر خواه یا شهود و کارشناس در صورتی که دعوت شده باشند و سپس از تجدید نظر خوانده تحقیق می شود. خلاصه اظهارات طرفین باید در صورت مجلس ثبت شود.

ج- هیأت عالی منحصراً در حدود تجدیدنظرخواهی و آنچه که در مرحله تجدیدنظر بررسی شده است حق رسیدگی دارد. چنانچه در جریان بررسی به تخلف جدیدی برخورد نماید، پرونده را جهت رسیدگی به رئیس هیأت مدیره نظام پزشکی محل ارسال می نماید.

د- چنانچه رای از هیأت بدوی یا تجدید نظر فاقد صلاحیت صادر شده باشد، هیأت عالی ضمن نقض آن ، پرونده را به مرجع صالح ارسال می نماید.

ه- در صورتیکه رای تجدیدنظرخواسته به صورت قرار باشد و به هر علتی نقض شود، پرونده جهت رسیدگی به هیأت تجدید نظر ارسال می شود. هیأت تجدیدنظر مکلف است به ماهیت موضوع رسیدگی نموده و حکم مقتضی صادر نماید.

و- چنانچه رای تجدیدنظرخواسته در حدود قانون و مقررات صادر شده باشد، هیأت ضمن تائید رای هیأت تجدیدنظر، پرونده را به مرجع مربوط اعاده می دهد.

ز- در صورتیکه به نظر هیأت، تحقیقات پرونده کامل نباشد و اخذ توضیح از کارشناس یا شهود برای احراز و کشف واقع لازم باشد، هیأت می تواند راساً و با دعوت از آنان تحقیقات مورد نظر را انجام داده یا کتباً از کارشناس استعلام نماید یا رفع نقایص و تکمیل پرونده را با ذکر موارد نقص از دادسرا یا هیأت های انتظامی بخواهد.

ح- چنانچه رای تجدید نظر از حیث رعایت مقررات یا اصول و موازین علمی و فنی، مخدوش یا غیر موجه باشد، هیأت رای را نقض و رای مقتضی صادر می نماید.

ماده ۱۰۲- مقرراتی که در دادرسی بدوی یا تجدید نظر رعایت می شود، در مرحله رسیدگی در هیأت عالی نیز جاری است، مگر اینکه به موجب قانون یا مقررات آئین نامه ترتیب دیگری مقرر شده باشد .

ماده ۱۰۳- هیأت عالی می تواند از دادستان صادرکننده کیفرخواست یا جانشین قانونی او برای دفاع از کیفرخواست دعوت به عمل آورد. عدم حضورایشان مانع از رسیدگی نیست.

تبصره- دادستان صادرکننده کیفرخواست یا جانشین قانونی او می تواند در موارد ضروری با هماهنگی رئیس هیأت عالی برای دفاع از کیفرخواست در جلسه هیأت شرکت نماید.

ماده ۱۰۴- هیأت عالی باید در ذیل رای خود قطعیت آنرا تصریح نماید.

ماده ۱۰۵- باتوجه به تبصره الحاقی به ماده ۴۰ قانون، اشخاصی که به آرای قطعی هیأت های بدوی، تجدیدنظر و عالی انتظامی اعتراض داشته باشند می بایست ظرف مدت یکماه از تاریخ ابلاغ رای ، اعتراض خود را به دفتر هیأت صادرکننده رای قطعی تسلیم و رسید دریافت نمایند. دفتر هیأت مکلف است اصل پرونده را ضمن برگ شماری، ظرف مدت یک هفته به دفترکل دادگاه های تجدیدنظر دادگستری استان مربوط ارسال نماید.

تبصره- به درخواست تجدیدنظرخواهی، بر مبنای تعرفه مصوب قوه قضائیه تمبر الصاق می گردد.

فصل چهارم / نحوه رسیدگی به اعتراضات و شکایات از طرز کار هیأت های بدوی و تجدید نظر انتظامی و اعمال نظارت بر آنها

ماده ۱۰۶- چنانچه هیأت عالی در جریان رسیدگی به پرونده های انتظامی یا در تعقیب شکایت اشخاص یا اعلام مقامات و مراجع اعم از شورای عالی، رئیس کل، هیأت مدیره، شورای هماهنگی استان، دادستان و معاونین او، هیأت های بدوی و تجدیدنظر، هرگونه اخلاف یا سوء جریانی مشاهده نماید، می تواند راساً به موضوع رسیدگی کرده و مراتب را با ذکر چگونگی آن به هریک از ارکان سازمان که مسئولیت موضوع به عهده آن است، اعلام نموده و رفع آن را بخواهد. (اصلاحی مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۳۰)

تبصره ۱- مصادیق تخلف: (الحاقی مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۳۰)

الف- هرگونه اقدام یا فعالیت یا عملکرد که مطابق با شان اعضاء دادسرا و هیات های انتظامی نباشد، ازجمله سوء استفاده از جایگاه حقوقی، کسب درآمد نامتعارف از این راه، تهدید یا اجبار همکاران به واسطه جایگاه حقوقی، اخلال و کارشکنی در روند کار سازمان، اخلال در نظم جلسات، کوتاهی در انجام وظایف محوله و عدم رعایت آیین نامه های مرتبط با وظایف.

ب- تخلفات انتظامی غیرمرتبط با جایگاه حقوقی شامل محکومیت های انتظامی و کیفری قضایی که منجر به صدور حکم قطعی قضایی و یا انتظامی موثر که موجب خدشه دارشدن حسن شهرت آنان شود.

تبصره ۲- در هریک از موارد ذکر شده در تبصره ۱، موضوع در هیات مدیره بررسی و پس از تایید مصادیق فوق، عزل با رای ۲/۳ از اعضاء حاضر در جلسه هیات مدیره انجام و جانشین عضو معزول انتخاب و جهت صدور حکم انتصاب به رئیس کل معرفی می گردد. رئیس کل موظف است ظرف مدت دو هفته نسبت به صدور حکم انتصاب اقدام نماید. (الحاقی مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۳۰)

ماده ۱۰۷- در صورتیکه سوء جریان ناشی از مسامحه در رسیدگی به وظایف محوله یا عدم رعایت بیطرفی یا اعمال غرض یا جهت دیگری باشد که به حسن جریان امور هیأتها اخلال نماید، هیأت عالی می تواند عزل متخلف یا تعقیب انتظامی یا انحلال واحد را از رئیس کل سازمان درخواست نماید.

باب پنجم: اجرای احکام و تصمیمات هیأت های انتظامی

ماده ۱۰۸- اجرای احکام و تصمیمات هیأت های انتظامی جز در مورد تذکر یا توبیخ شفاهی که در حضور هیأت مدیره نظام پزشکی محل صورت می گیرد، با دادسرای انتظامی است.

تبصره ۱- آرای محرومیت از اشتغال به حرفه های پزشکی و وابسته در کل کشور (موضوع بندهای ه، و، ز تبصره یک ماده ۲۸ قانون) توسط سازمان مرکزی جهت اجرای حکم به وزارت بهداشت منعکس گردد. (الحاقی مورخ ۱۳۹۵/۷/۸)

تبصره ۲- هرگاه در امر واحد محکومیت کیفری و انتظامی از نوع محرومیت تعیین گردد، صرفاً محرومیت کیفری اعمال می گردد، مگر اینکه مدت محرومیت انتظامی طولانی تر باشد. (الحاقی مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۲۷)

ماده ۱۰۹- احکام براءت و قرارهای منع یا موقوفی تعقیب که از هیأتها صادر می شود، مستلزم اقدام از ناحیه دادسرا نبوده و ابلاغ رای کفایت دارد.

ماده ۱۱۰- در مورد اجرای حکم تذکر یا توبیخ شفاهی موضوع بند (الف) ماده ۲۸ قانون که باید در محضر هیأت مدیره به عمل آید، دفتر هیأت مدیره هماهنگی لازم را به عمل می آورد.

تبصره - مدت نصب آرای بند (ج) در تابلو اعلانات دو هفته می باشد.

ماده ۱۱۱- احکام لازم الاجرا عبارتند از :

الف- حکم هیأت بدوی که در مهلت مقرر نسبت به آن تجدید نظر خواهی نشده باشد.

ب- حکم هیأت بدوی که مورد تأیید هیأت تجدید نظر قرار گرفته باشد.

ج- حکم هیأت تجدید نظر که پس از نقض رای بدوی صادر شده باشد.

د- حکم هیأت تجدید نظر در مورد محرومیت از اشتغال در صورتیکه در مهلت مقرر از آن تجدید نظر خواهی نشده باشد.

ه- حکم هیأت عالی در مورد محکومیت که پس از نقض یا تأیید رای هیأت تجدید نظر صادر شده باشد. (اصلاحی مورخ ۱۳۹۵/۷/۸)

و- حکم هیأت عالی که در مقام رسیدگی به درخواست رئیس کل سازمان صادر شده باشد.

ز- حکم قطعی که از دادگاه تجدیدنظر دادگستری استان صادر شده باشد.

ماده ۱۱۲- در مواردی که اجرای حکم باید توسط وزارت بهداشت یا دانشگاه‌های علوم پزشکی یا مراجع و مقامات مؤسسات بهداشتی و درمانی اعم از دولتی یا غیردولتی به عمل آید، دادستان ضمن ارسال رونوشت حکم قطعی، دستور اجرای آنرا صادر می نماید. خودداری و ممانعت از اجرای دستور، مستوجب تعقیب انتظامی است.

ماده ۱۱۳- رفع ابهام یا اجمال از حکم هیأتها، با هیأت صادر کننده حکم قطعی است، لیکن رفع اشکالات مربوط به نحوه اجرای حکم با دادسرا است.

ماده ۱۱۴- آموزش نحوه اجرای حکم و نظارت کامل بر چگونگی اجرا با دادستان است. دادستان می تواند معاون یا یکی از دادیاران را به این منظور تعیین نماید.

ماده ۱۱۵- هرگاه رای صادره راجع به چند نفر باشد و در موعد مقرر بعضی از ایشان از آن، تجدید نظر خواهی کرده باشند، رای مزبور نسبت به بقیه پس از انقضای مهلت تجدید نظر خواهی قطعی و لازم الاجراست.

ماده ۱۱۶- واحد اجرای احکام مکلف است محکومیت های صاحبان حرفه های پزشکی و وابسته را در سوابق انتظامی ثبت و ضبط نموده و یک نسخه از رونوشت حکم را جهت درج در پرونده نظام پزشکی صاحبان حرفه های پزشکی پروانه دار، به آن مرجع ارسال نماید.

ماده ۱۱۷- چنانچه محکوم علیه در زمان اجرای حکم قطعی محرومیت از اشتغال به حرفه مربوط، در امر پزشکی یا حرفه مورد نظر دخالت نماید، دادستان انتظامی مکلف است علاوه بر تعقیب انتظامی محکوم علیه (در مواردی که محرومیت از اشتغال دائم نباشد) فوراً مراتب را به دادستان عمومی و انقلاب جهت تعقیب کیفری به اتهام دخالت غیرمجاز در امور پزشکی اعلام نماید.

ماده ۱۱۸- دادستان انتظامی می تواند برای اجرای احکام محرومیت، از مقامات وزارت بهداشت و دانشگاههای علوم پزشکی و سایر مقامات ذیربط استمداد نماید.

ماده ۱۱۹- چنانچه هنگام اجرای حکم، محکوم علیه فوت نموده یا دستخوش جنون شود، اجرای حکم موقوف می شود.

ماده ۱۲۰- ابلاغ آرای هیأت های بدوی و تجدیدنظر انتظامی با هیأت صادر کننده رای بوده و ابلاغ آرای هیأت عالی انتظامی با هیأت تجدیدنظر انتظامی استان مربوط می باشد.

باب ششم: نحوه رسیدگی به درخواست مجدد رئیس کل سازمان برای تجدید نظر در آرای قطعی

ماده ۱۲۱- چنانچه رئیس کل سازمان، آرای قطعی هیأت های بدوی و تجدیدنظر انتظامی را خلاف قانون تشخیص دهد، می تواند از هیأت عالی انتظامی درخواست بررسی مجدد پرونده را نماید.

تبصره- در صورتیکه به تشخیص رئیس کل، پرونده جهت بررسی به هیأت عالی انتظامی ارسال گردد، اجرای رای تا صدور رای هیأت عالی متوقف خواهد شد.

ماده ۱۲۲- در صورتیکه هیأت عالی پس از رسیدگی های لازم، رای صادره را مخالف قوانین و مقررات تشخیص دهد، آن را نقض و رای مقتضی صادر می کند، در غیر اینصورت قرار رد آن را صادر می نماید.

ماده ۱۲۳- درخواست رسیدگی مجدد نسبت به هر پرونده فقط برای یک بار پذیرفته می شود.

ماده ۱۲۴- درخواست رئیس کل سازمان فقط می تواند ناظر به آرای باشد که در زمان حکومت قانون جدید صادر شده است.

آیین نامه فوق مشتمل بر ۱۲۴ ماده و ۳۵ تبصره، در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۶/۱۹ به تصویب شورای عالی سازمان رسید.